

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نياشت تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Social

اجتماعی

استاد محمد نسیم "اسیر"
فرانکفورت – جون ۲۰۰۰م

یک بام و دو هوا

دو کودک به کنجی نشسته به هم
یکی نالد از قهر بی جـای مام
که شب وقت خواب ار کنم چند و چون
و یا آن که در وقت صرف غذا
و گـر پای تا سر غم نان بود
فقط آب خـالی نصیب من است
دگـر آه سردی کشید از جگر
پدر گفته صد بـار با گوشمال
به نـزد بـزرگان والامقام
نباید کشی پا ز حـدد ادب
که بر خـردسالان نباشد مُجاز
دو چشمت به لبها بـود دوخته
ولی از همه تلخ، این ماجـراست
ندانی چـه است این گناه و ثواب
گناه من این کـه به وقت سرور
دران شور و مستی، اگـر بی خبر
ز دستم اگـر آب ریزد به فرش
همه داد و فـریاد برپا کنند

نمایند درد دل از بیش و کم
به هنگام خواب و به وقت طعام
بگـیرد ز پهلوی من نیشگون
نباید کـنم دست از پا خطا
نباید خـورم تا که مهمان بود
اگـر میهمانی، قریب من است
که من نیز دارم چنین درد سر
چو هستی یکی بچـه خرد سال
نشاید ترا حـرف لام و کلام
گـرت هست صد گـپ، نیاری به لب
سخن گفتن با نشیب و فراز
که اطفال ازین شیوه، آموخته
که بر او صوابست و بر من خطاست
که سنگین تر از نیشگونست و خواب
کنم گاه گاهی اگـر داد و شور
بـلغـزد مرا پا و اقم به سر
فغان همه می رسد تا به عرش
سـرم آسیاسنگ بـالا کنند

به چندین عتاب و به چندین عقاب خورم سیلی محکم و بی حساب
ولی گـر پدر، کوزه آب را بریزد به قـالین مقبول ما
همه یک زبـان، از سر اعتذار مـکـرّر بگویند و هم بار بار
که جای غم و هیچ تشویش نیست به قالین اگر ریخت، هم روشنیست
بنازم به این بـام و چندین هوا
ز من نـاروا است و از وی روا